



چگونه آناتولی از میراث ایرانی میلیاردها دلار خلق می کند؟

## سفره پر برکت مولانا برای قونیه

کیمیا ملکی: قونیه، شهری محصور در استپ آناتولی و بی بهره از ساحل، امروز پولسازترین زیارتگاه معنوی خاورمیانه است؛ نه به خاطر دریا که به خاطر خاکسپاری مولانا جلال الدین بلخی، شاعری فارسی زبان در این شهر. در آستانه هشتم مهر، روز بزرگداشت مولانا در تقویم ایران، کاروان تورهای ویژه قونیه راه می افتد و مسافران ایرانی برای تماشای چرخ سماع، دلار به جیب هتل ها و دفاتر گردشگری ترک می ریزند. موزه مولانا تنها در نیمه نخست ۲۰۲۶ میزبان یک میلیون و ۴۴۰ هزار بازدیدکننده بوده است. اگر همین شتاب بماند، رکورد ۳ میلیون و ۴۸ هزار بازدید سال ۲۰۲۴ نیز شکسته می شود و شهر به مرز ۴ میلیون بازدید سالانه نزدیک خواهد شد. پشت این عده ها صنعتی ایستاده که درآمد گردشگری ترکیه را در سال ۲۰۲۵ به حدود ۶۵ میلیارد دلار رساند. در حالی که وارث زبان و فرهنگ مولانا، یعنی ایران همچنان در حاشیه تماشا ایستاده و تنها سهمش اعزام مسافران به آن سوی مرز است.

### قونیه؛ پایتخت سلجوقی

قونیه بیش از آنکه یک شهر ترک باشد، یک برند است، برندی که از تصوف، نی، سماع و شنل سفید دراویش ساخته شده. این شهر در قلب آناتولی، روزگاری پایتخت سلجوقیان روم بود و امروز روی همان تاریخ، اقتصاد می چرخاند. مولانا در قرن هفتم هجری به این شهر آمد، مثنوی را در آن املا کرد و در ۶۷۲ قمری در همین شهر به خاک سپرده شد؛ آرامگاه او با گنبد فیروزه ای، امروز «موزه مولانا» خوانده می شود و پربازدیدترین موزه وزارت فرهنگ ترکیه است. اما آنچه قونیه را از یک زیارتگاه معمولی جدا کرده، تبدیل اندیشه به محصول است: مراسم سماع به عنوان میراث ناملموس یونسکو ثبت شده، شمارش معکوس برای شب عروس هر ساله برگزار می شود و گرداگرد آرامگاه، فروشگاه های صنایع دستی، بوتیک هتل های عرفانی و رستوران های سنتی قد کشیده اند. به عبارت دیگر، ترکیه از یک شاعر است؛ زنجیره ای که از بلیت ورودی موزه آغاز می شود و می یابد.

### مهر؛ فصل فروش تورهای ترکیه

نکته تکان دهنده ماجرا اینجاست که هشتم مهر در رسمی ایران، روز بزرگداشت مولاناست اما این روز در عمل فصل فروش تورهای ترکیه بدل شده است. امسال همین مناسبت، با تور ویژه «قونیه و کاپادوکیا؛ سالگرد مولانا» گره خورده که حرکت آن برای هفته اول مهر از تهران و تبریز برنامه ریزی شده تا مسافران پیش از هشتم مهر در قونیه حاضر باشند. بدین ترتیب، یک نماد فرهنگی ایرانی، بهانه و تقویم بازاریابی مقصد دیگری شده است؛ تقویم خودمان را جشن می گیریم و هزینه اش را به اقتصاد ترکیه می پردازیم. آژانس های ایرانی این تاریخ را خوب می دانند و از ماه ها پیش ظرفیت اتوبوس ها و هتل ها را می بندند؛ حتی عنوان تورها با پسوند «سالگرد مولانا» منتشر می شود تا تقاضای احساسی به رزرو قطعی ترجمه شود. پیک دوم تقاضا نیز در آذر و همزمان با مراسم شب عروس است؛ ایامی که هتل ها زودتر پر می شوند و نرخ ها جهش می کند. در واقع قونیه دو فصل پررونق دارد؛ یکی را تقویم ایرانی می سازد و دیگری را آیین دسامبر و هر دو برای ترکیه ارز می آورد.

### قطار، فرودگاه و هتل زیر ساختی که گردشگر را نگه می دارد

راز موفقیت قونیه فقط مولانا نیست؛ زیر ساختی است که عمداً تصمیم گرفته گردشگر را نگه دارد. از آنکارا تا قونیه، قطار سریع السیر در کمتر از ۲ ساعت مسیر را طی می کند و نخستین تجربه سفر را راحت و ارزان می سازد؛ فرودگاه قونیه پروازهای داخلی و چارتی را می پذیرد و زنجیره هتل های چهار و پنج ستاره، از اقامتگاه های شهری تا بوتیک هتل ها، ظرفیت شبمانی بالایی فراهم کرده اند. سماع در فرهنگسرای مولانا با بلیت و برنامه منظم اجرا می شود؛ موزه پانوراما روایت دیداری عرضه می کند و کاروانسراهای سلجوقی حاشیه مسیر به کافه و فروشگاه بدل شده اند. حتی شکم گردی به برندسازی کمک کرده است؛ از نان اتلی قونیه تا کباب فر و شیرینی جزیره که مسافر را به خرج ترغیب می کند. ترکیه به خوبی آموخته که زائر معنوی، گردشگر موقت نیست؛ اگر خوراک، اقامت و مسیر تماشایی فراهم باشد، همان زائر چند برابر یک توریست ساحلی پول خرج می کند و باز هم برمی گردد.

### چرا ایران از سفره مولانا سهم نمی برد؟

هدایت می کند. سوم، بی توجهی به محصول سازی عرفان است؛ آرامگاه منسوب به شمس تبریزی در خوی، میراث نیشابور و شیراز و دست نویس های مثنوی، هیچ کدام به مقصدی با هتل، تور، سماع استاندارد و بلیت آنلاین تبدیل نشده اند؛ حال آنکه قونیه حتی مقبره شمس را نیز در سبد تور خود جای داده است. چهارم و مهم تر، نبود اکوسیستم حرفه ای است؛ راهنمایان قدرتمند فارسی زبان برای روایت چندلایه این

### گردشگر ایرانی؛ زائری با درآمد ریالی و قبض دلاری

عرفان برای مسافر ایرانی کالایی نیست که جانشین ارزان داشته باشد. نکته تأمل برانگیز آن است که بخشی از همین پول، اگر چرخه خدمات معنوی در ایران رونق داشت، می توانست در خوی، نیشابور یا شیراز بچرخد؛ جایی

میراث تربیت نشده اند، استاندارد اقامت یکنواخت نیست و بازاریابی مقصد در برابر کمپین های ترکیه تقریباً صفر است. حتی در حمل و نقل هوایی، قیمت بلیت و کمبود صندلی در مسیرهای گردشگری داخلی، هزینه سفر داخلی را گاه تا سطح سفر خارجی بالا برده است. نتیجه آنکه نوروز، هشتم مهر و آذر، فصول سفرند اما مسافران مقصدشان ترکیه است، نه ایران.

که زائر، زبان مولانا را بی واسطه بشنود و با دلار هزینه نکند. تا وقتی شکاف زیر ساختی و ارزی به این اندازه است، مهاجرت دلاری زائران ادامه خواهد یافت و ترکیه از هر تلاطم اقتصادی ما، یک فصل فروش تازه بیرون خواهد کشید.

### اعدادی که ترکیه را ثروتمند کرد

برای درک مقیاس این اقتصاد کافی است به اعداد نگاه کنیم. درآمد گردشگری ترکیه در سال ۲۰۲۵ به حدود ۶۵.۲ میلیارد دلار رسید یعنی رشدی نزدیک به ۷ درصد نسبت به سال پیش، با حدود ۶۳.۹ میلیون گردشگر ورودی. تنها در نیمه نخست ۲۰۲۵، گردشگری ترکیه حدود ۲۵.۸ میلیارد دلار ارز وارد کرد. در این میان، قونیه بازیگری کوچک اما پرسروصدا است: موزه مولانا در سال ۲۰۲۴ با ۳ میلیون و ۴۸ هزار بازدید، رکورد تاریخی خود را شکست و در صدر موزه های دولتی ترکیه ایستاد؛ در نیمه نخست ۲۰۲۶ نیز میزبان یک میلیون و چهارصد و چهل هزار نفر بوده و مدیران گردشگری این استان از هدف ۳.۵ تا ۴ میلیون بازدید در پایان سال سخن می گویند. باز بازدیدکننده، علاوه بر بلیت موزه، خرج اقامت، غذا، حمل و نقل، بلیت اجرای سماع و سوغات می کند. به همین دلیل قونیه از یک شهر مذهبی محلی به یکی از ارزاورترین مقصدهای گردشگری معنوی منطقه تبدیل شده است. جذابیت این عدد وقتی بیشتر می شود که بدانیم این درآمد، بدون ساحل و آفتاب و استراحتگاه، صرفاً با تجربه ساخته شده؛ تجربه ای که ترکیه در قیمت گذاری، برندسازی و تکرار آن واقعا شهره است. این درآمد نفت نیست که از زمین بیرون بکشند بلکه محصول ۲۰ سال سرمایه گذاری عمدی روی برند مولاناست.

### از اتوبوس ۲۵۵ دلاری تا اتاق ۲۶۰ میلیون تومانی!

حالا در ادامه گزارش ببینیم این زیارت چقدر آب می خورد. در سامانه های رزرو، تور زمینی قونیه و کاپادوکیا در ایام سالگرد مولانا از حدود ۹۹ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان شروع می شود اما یکجای هتل دار رقم های بسیار بالاتری را نشان می دهند. در همین تور، اقامت در هتل پنج ستاره با صبحانه، برای اتاق دو تخته ۵۹۵ دلار، برای تک نفره ۷۹۰ دلار و برای سه تخته ۵۷۰ دلار قیمت خورده که باید ۷۵ میلیون تومان هزینه حمل و نقل را هم به آن افزود. با دلار ۳۲۴ هزار تومانی، اتاق دو تخته این تور فقط از محل بخش دلاری حدود ۱۹۳ میلیون تومان و در مجموع بیش از ۲۶۸ میلیون تومان تمام می شود. برای مسافرانی که نخواهند این رقم را بپردازند، گزینه ارزان تری هم هست: تور اتوبوسی پنج شب و شش روز از ۲۵۵ دلار به علاوه ۲۳ میلیون تومان آغاز می شود؛ یعنی در مجموع چیزی نزدیک به ۱۰۶ میلیون تومان. میانگین بازار در تورهای هوایی چهار شب و پنج روز نیز حول ۳۵۰ دلار به علاوه ۷۵ میلیون تومان هزینه پرواز می چرخد؛ هتل های سه ستاره این تور بین ۳۳۰ تا ۴۱۵ دلار برای هر نفر اعلان نرخ کرده اند و بوتیک هتلی با حال و هوای عرفانی، برای اتاق دو تخته ۴۵۰ دلار طلب می کند. معنای ساده این اعداد آن است که سفر به دیار مولانا برای یک زوج، بسته به انتخاب هتل، دست کم حدود ۱۰۶ تا ۲۶۸ میلیون تومان و برای اتاق تک نفره حتی بیش از ۳۳۰ میلیون تومان هزینه دارد آن هم در اقتصادی که نرخ ارز هر ماه آن را گران تر می کند.

### سخن پایانی

قونیه، مصداق کامل این قاعده است که فرهنگ، وقتی به صنعت بدل شود از نفت پایدارتر است. ترکیه از زبان فارسی و میراث مولانا، فرودگاه و قطار و هتل ساخت و سالانه ده ها میلیارد دلار از گردشگری گرفت؛ ایران اما هنوز از این سرمایه فقط «روز بزرگداشت» را در تقویم دارد. هشتم مهر، هر سال این تضاد را فریاد می زند؛ ما شاعر را داریم، ولی مقصد را نساخته ایم. تا وقتی ویزا آسان نشود، کارت بین المللی در دستگاه های ما کار نکند، کیفیت اقامت بالا نرود و بازاریابی هوشمند روی برندهای معنوی ما ننشیند، هزاران ایرانی همچنان صف رزرو قونیه را پر خواهند کرد و دلاری که می توانست در ایران بگردد، به هتل های پنج ستاره آناتولی خواهد رفت. پایان این قصه را می شود یا در خوی و شیراز نوشت یا در قونیه خرید.

